

کوچ و کوچ‌نشینی در شهرستان نهاوند



نعمت‌الله سراقی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

اشاره:

پدیده‌ی تاریخی و سنتی عشایر و کوچ‌نشینی در ایران واقعیتی قابل تأمل و بررسی است. از جمله، با این که مردم شهرستان نهاوند به لحاظ تاریخی و سوابق زندگی شهری و روستایی قرن‌هاست که سکونت و اقامت مستمر دارند، اما در مسیر کوچ‌نشینان و کوچ‌نشینی قرار دارند و کم و بیش با آنان در ارتباط و تعامل‌اند و پرداختن به آن اقدامی ارزشمند است.

آن چه از نظر تان می‌گذرد کندوکاوی در این زمینه است که هم‌شهری پژوهشگر جناب آقای نعمت‌الله سراقی تهیه و برای فرهنگان ارسال کرده است. امید است ایشان، با توجه به رشته‌ی تحصیلی خود، ناگفته‌های مربوط به آثار باستانی نهاوند را نیز بررسی نماید و برای خوانندگان، به خصوص هم‌شهریان گرامی، ارسال کند. مشخصات بیش‌تر و فعالیت‌های علمی نویسنده‌ی مقاله را، به قلم خودشان ملاحظه می‌کنید.

«فرهنگان»

این جانب نعمت‌الله سراقی، متولد ۱۳۵۸ روستای رزینی (تابع بخش خزل شهرستان نهاوند) در سال ۱۳۷۶ موفق به اخذ دیپلم ادبیات و علوم انسانی از دبیرستان شهدای روستای رزینی شدم. در سال ۱۳۷۷ در رشته‌ی باستان‌شناسی

دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره‌ی کارشناسی را به پایان رساندم. در سال ۱۳۸۲ در آزمون کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی (گرایش پیش از تاریخ) دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ دوره‌ی کارشناسی ارشد را به پایان رساندم. موضوع پایان‌نامه این‌جانب در دوره کارشناسی ارشد «بررسی باستان-شناختی محوطه‌های پیش از تاریخ دشت نهاوند» است.

فعالیت‌های پژوهشی این‌جانب عبارت‌اند از: عضویت هیئت بررسی و کاوش تپه زاغه (دشت قزوین)؛ عضویت هیئت بررسی و کاوش محوطه‌ی شهری شهرستان مشکین شهر (استان اردبیل)؛ سرپرستی هیئت بررسی و شناسایی شهرستان ایوان (بخش زرنه) استان ایلام؛ سرپرستی هیئت بررسی و شناسایی شهرستان نهاوند؛ عضویت هیئت بررسی و شناسایی شهرستان کرج؛ سرپرستی هیئت‌های بررسی و شناسایی دامغان، آبگرم، آوج، دهلران (دشت عباس) و سرپرستی هیئت تعیین عرصه و حریم محوطه‌های دشت سیلاخور شهرستان بروجرد. ضمناً، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس و مؤسسه غیرانتفاعی مارلیک نوشهر هستم. بررسی قبور عصر آهن حوضه‌ی رودخانه گنگیر (ایوان) و شرکت در همایش بین‌المللی باستان‌شناسی حوضه‌ی غرب کشور، نیز بخشی از فعالیت‌های علمی این‌جانب است.

مقدمه

زندگی کوچ‌نشینی در ایران، سابقه‌ای کهن دارد و کوچ‌نشینان همیشه نقش مهمی در تاریخ این مملکت داشته‌اند. اما با این حال تاکنون، آن‌گونه که باید و شاید شناخته نشده‌اند. اصولاً بررسی و شناخت کوچ‌نشینان از چند جهت درخور اهمیت است:

اول این که آن‌ها فرهنگ و سنن کهن را پاسداری کرده و آداب و رسوم باستانی را نگه داشته‌اند. چنان که راه و روش زندگی کوچ‌نشینان کنونی، با راه و روش زندگی نیاکان چند هزار سال پیش ما، تفاوت چندانی ندارد. از این رو، شناخت زندگی کوچ‌نشینان به شناخت فرهنگ و زندگی نیاکان ما کمک می‌کند. از این گذشته زندگی کوچ‌نشینان مورد توجه باستان‌شناسان، مورخان و مردم‌شناسان است. زیرا مطالعه‌ی زندگی آن‌ها راه‌گشایی برای پی بردن به چگونگی روند تکامل اجتماعی - فرهنگی انسان‌هاست.

دوم این که زندگی کوچ‌نشینی گونه‌ای سازش فرهنگی - اجتماعی با محیط زیست است. بنابراین، بررسی چنین سازشی به شناخت کلی فرهنگ انسان‌ها کمک می‌کند. سوم این که کوچ‌نشینان از نظر اقتصادی درخور اهمیت‌اند، زیرا آن‌ها سالانه مقدار قابل توجهی گوشت، لبنیات و سایر فرآورده‌های دامی را به شهرنشینان عرضه می‌کنند، و از این راه قسمت مهمی از نیازهای آن‌ها را برآورده می‌سازند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴).

کوچ‌نشینی

در کتاب کوچ‌نشینی در ایران در تعریف کوچ‌نشینی آمده است: «منظور از زندگی کوچ‌نشینی آن نوع زندگی است که در آن انسان از راه پرورش حیوانات و معمولاً با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالیانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کند» (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴).

زندگی کوچ‌نشینی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انواع زندگی اجتماعی متمایز می‌سازند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- وابستگی انسان با حیوان؛
 - ۲- استفاده از چراگاه‌های طبیعی؛
 - ۳- کوچ یا جابه‌جایی انسان و دام به منظور بهره‌گیری از چراگاه‌های طبیعی و احتراز از سرما و گرمای شدید.
- هیچ کدام از عوامل مذکور به تنهایی نمی‌توانند پدیده‌ی کوچ‌نشینی مورد نظر ما را تبیین کند (نعمانی، ۱۳۵۸).
- اغلب دانشمندان معتقدند که زندگی کوچ‌نشینی، پس از گستردگی کشاورزی و در نتیجه‌ی افزایش جمعیت انسانی، به وجود آمده است. به سخن دیگر، چون با گذشت زمان جمعیت انسانی فزونی یافت و زمین‌های حاصل‌خیز به زیر کشت درآمد ناگزیر گروه‌هایی از مردم برای بهره‌گیری از زمین‌هایی که درخور کشت نبودند به پرورش حیوانات پرداختند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴).
- «برایان اسپونر» با طرح این نظر که کوچ‌نشینی را می‌توان نتیجه‌ی عارض تولید فراوانی غله شمرد، حدس می‌زند کوچ‌نشینی و گله‌داری یکی از نتایج ضمنی کشاورزی آبی است. در چنین حالتی، کوه‌ها برای کسانی باقی‌گذارده می‌شوند که می‌توانند تمام اوقات به پرورش گله بپردازند و به مبادله کالا با مردم ساکن دشت‌ها رو آورند.
- تعدادی از پژوهشگران از جمله خارنرف، زاگارل، بیتس و لیز نظریه‌های مرتبط با منشأ اولیه کوچ‌نشینی در زاگرس را پذیرفته و آن را در پیوند نزدیک با ظهور و تکامل اولیه‌ی دولت شهرهای بین‌النهرین سفلی و خوزستان دانسته و به شرح و بسط آن پرداخته‌اند (نوراللهی، ۱۳۸۴).
- این نظریه، که زندگی کوچ‌نشینی بعد از ده‌نشینی به وجود آمده است، امروزه تا حد زیادی مورد قبول دانشمندان واقع گردیده است. کاوش‌های انجام گرفته در تپه

گوران هیلان (mortensen. P, ۱۹۶۱) و تاوه خشکه در اسلام‌آباد (Abdi, ۲۰۰۳) نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که کوچ‌نشینی در زاگرس مرکزی در دوره‌ی نوسنگی و به طور کامل در دوره‌ی کلکولتیک رواج داشته است.

پاره‌ای از نظریات حاکی از آن است که شرایط سیاسی و اجتماعی زمان سبب رانده شدن ده‌نشینان از ده و پناه بردن به کوه‌ها و دشت‌ها و در نتیجه پیدایش زندگی کوچ‌نشینی گردیده است (ورجاوند، ۱۳۴۴). همین اوضاع و احوال سیاسی باعث کوچ اجباری ایلات و عشایر از سرزمینی به سرزمین دیگر و گسترده‌ی کوچندگی در یک منطقه گردیده است (نعمانی، ۱۳۵۸).

در کتاب مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ادوار مختلف کوچ‌نشینی با توجه به تحقیقات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی به سه دوره تقسیم شده است:

۱- کوچ‌نشینی ابتدایی (Primitive Nomadism)

این نوع کوچ‌نشینی در عهد میان‌سنگی و نوسنگی، به مدت هشت هزار سال شیوه‌ی عمومی زیست بشر بوده است. این نوع کوچ‌نشینی بر شکار، دامداری خانگی و گردآوری غذا مبتنی است.

۲- جدائی یکجانشینی از کوچ‌نشینی

به تدریج بخشی از قبایل کوچ‌نشین در نواحی مناسب اسکان می‌گزینند و به زراعت اشتغال می‌ورزند و بخش دیگر به کوچ ادامه می‌دهند. به این ترتیب، جامعه‌ی بشری به دو گروه کشاورز (یکجانشین) و دامدار و طبیعت‌کاو (کوچ‌نشین) تقسیم می‌گردند.

۱- کوچ‌نشینی شبانی (Pastoral Nomadism)

در عصر مفرغ (هزاره‌های سوم و دوم ق.م) کوچ‌نشینی شبانی پدید آمد. به دیگر سخن، کوچ‌نشینی شبانی پدیده‌ای متمایز از «کوچ‌نشینی ابتدایی» و متأخر بر پیدایش

یک‌جانشینی و زراعت است. افزایش نفوس انسانی، ضرورت‌های توسعه‌ی دامداری و دستاوردهای بشر در این شاخه از اقتصاد، تربیت اسب برای سوارکاری و اختراع ارابه، نگهداری رمه‌های بزرگ مواشی را ضرور و ممکن ساخت و به تشکیل اقوام شبان مانند کاسی‌ها، سیت‌ها و آریایی‌ها انجامید (شهبازی، ۱۳۴۴).

نوع معماری و مساکن

- سیاه‌چادر (دهوار)

سرپناهی است موقتی که در فصول معتدل سال، معمولاً از اواسط اسفند ماه مورد استفاده‌ی عشایر کوچ‌رو و دامدار قرار می‌گیرد. دهوار یا سیاه‌چادر به تخته‌های سیاه بافته شده از موی بز اطلاق می‌شود که توسط زنان بافته می‌شود. علت به کار بردن موی بز در بافت دهوار محکمی و هم‌چنین انبساط آن در مواقع دفع رطوبت در هنگام بارندگی است.

در دیواره‌ی بیرونی سیاه‌چادر و هم‌چنین، در فضاهای داخلی به منظور تفکیک آن‌ها از همدیگر، از حصیری بافته شده از نی استفاده می‌شود که به چیت (چیق) معروف است.

فضای داخلی سیاه‌چادر معمولاً به سه قسمت تقسیم می‌شود:

- ۱- قسمت زنان، محل خواب و نشیمن زنان؛
- ۲- محل نشستن اعضای خانواده، محل پخت و پز و غذاخوری که اغلب برای نشست خانوادگی و دسته‌جمعی به کار می‌رود.
- ۳- قسمت مردان، که این قسمت نشیمن مهمان نیز هست و معمولاً سطح آن ده تا چهل سانتی‌متر از قسمت زنان بالاتر است. در کنار سیاه‌چادر، آغل گوسفندان و بزها و محل نگهداری بره‌ها، که به «کولی» معروف است، قرار دارد.

- آلاچیق یا کولا

زیستگاه تابستانی عشایر است، که در ناحیه‌ی سردسیر ساخته می‌شود و دارای اسکلت چوبی داریستی مکعبی شکلی است که از تنه‌ی درختان جنگلی، مخصوصاً بلوط، ساخته می‌شود و در روی آن دیوارک‌هایی قرار می‌دهند. سپس، روی آن را با شاخ و برگ درختان و گاهی نیز با تخته‌های سیاه چادر می‌پوشانند. دور و اطراف کولا را با چیت می‌گرفتند و در داخل آن نیز یک اجاق ساده جهت پخت و پز می‌ساختند.

- کپر

محل زندگی انسان یا دام است که با توجه به انواع استفاده از آن، در ابعاد و اندازه‌های متفاوتی ساخته می‌شود. معمولاً، عرض آن محدود و طول آن سه متر است.

- زمگه

یا جای «زمستانه»، زیستگاه زمستانی عشایر است، که به صورت مستطیلی شکل با دیوارهای سنگ‌چین پهن و چهارچوب ورودی را با دو سنگ بزرگ می‌سازند. ورودی آن را با تنه و شاخه‌های درخت بلوط، یا با سیاه‌چادر می‌پوشانند. برای جلوگیری از نفوذ آب به داخل سیاه‌چادر روی سیاه‌چادر را با یک لایه کاه می‌پوشانند. این لایه کاه مانع نفوذ آب باران به داخل می‌شود و به صورت یک عایق عمل می‌کند. امروزه، در همه‌ی دره‌های زاگرس مرکزی و دشت‌های میان‌کوهی، این زیستگاه‌ها به صورت پراکنده و زیاد دیده می‌شوند، که به صورت توده‌های به هم ریخته‌ی سنگی در پای کوه‌ها و در کنار چشمه‌ها و رودخانه‌ها دیده می‌شوند، که تا حدود پنجاه سال قبل مورد استفاده قرار می‌گرفتند (اطلاعات میدانی نگارنده، ۱۳۸۴).

کوچ‌نشینی در شهرستان نهاوند

اساس معیشت عشایر مبتنی بر شیوه‌ی تولید رمه‌داری است و ادامه‌ی حیات رمه به دو عنصر اصلی، یعنی «علوفه» و «آب و هوای معتدل» بستگی دارد و با جابه‌جائی و تغییر محل زیست در اشکال کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین با محیط پیرامون سازگاری و هم‌نوائی می‌یابد. به سخن دیگر، کوچ حرکتی است جمعی و فصلی به منظور انطباق زندگی انسان و دام با طبیعت. (شهبازی، ۱۳۴۴).

قرار گرفتن کوه‌های کارستی و دشت در کنار هم و نیز وجود مراتع از زمان‌های دور، زمینه‌ی مناسبی را برای زندگی کوچ‌نشینی در منطقه‌ی نهاوند فراهم آورده است و هر ساله منطقه‌ی نهاوند عبور عشایر کوچ‌رو غیر بومی (از استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان و خوزستان) را، که برای تعلیف دام‌های خود به مراتع بیلاقی این منطقه کوچ می‌کنند، شاهد است (سراقی، ۱۳۸۵).

از ایل‌های معروف این منطقه می‌توان به ایل ترکاشوند، ایل ترک، ایل حسنوند و طایفه‌های مستقل دیگر، که نیمه کوچ‌رو هستند، اشاره نمود (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۱).

کوچ‌هایی که در منطقه‌ی نهاوند صورت می‌گیرد از نوع کوچ عمودی است. کوچ عمودی به نوعی کوچ اطلاق می‌شود که جابه‌جائی یا نقل مکان دشت و کوه، یعنی ناحیه‌ی پست به ناحیه‌ی مرتفع، پایین به بالا و بالعکس صورت می‌گیرد.

روشن است به هنگام تابستان، که هوای مناطق جلگه‌ای گرم می‌شود، علوفه‌ی مراتع می‌خشکد و از بین می‌رود. در مقابل، مناطق کوهستانی و مرتفع دارای علفزار و مرتع سرسبز است. در نتیجه، دام‌پروران، به منظور بهره‌برداری از مراتع و چراگاه‌های طبیعی و فراوان، حتی اگر این مناطق در فاصله‌های بسیار دور قرار گرفته و راهی دشوار داشته باشند، به همراه گله‌ی دام به سوی آن حرکت می‌کنند.

فصول گرم را در بیلاق می‌گذرانند و به هنگام سرما از کوهستان به دشت (گرمسیر) سرازیر می‌شوند. زندگی بیلاقی - قشلاقی را می‌توان نوعی کوچ‌نشینی موسمی یا نیمه کوچ‌نشینی و به عبارتی «دوجانشینی» دانست (ورجانوند، ۱۳۴۴).

عشایری که به منطقه‌ی نهاوند می‌آیند بیش‌تر از استان‌های ایلام (شهرهای آبدانان، دره شهر، مهران، دهلران، میمک)، لرستان (پلدختر، منطقه سرکن)، کرمانشاه (کنگاور) و خوزستان (فکه، غرب کرخه، شوش دانیال، سایت‌های ۱ و ۲ و ۳) هستند. عشایر یاد شده نهاوند را برای منطقه‌ی بیلاق خود انتخاب کرده‌اند. البته، عشایر ترکی که اصالتاً همدانی هستند فقط از نهاوند عبور می‌کنند و به ارتفاعات الوند می‌روند.

زمان حرکت عشایر از قشلاق به بیلاق بستگی به وضعیت آب و هوایی دارد. اگر سال برای عشایر خوب و مطلوب باشد اول فروردین، و اگر نباشد بیست اسفند ماه به طرف بیلاق حرکت می‌کنند. آن‌ها معمولاً روز بیستم اردیبهشت ماه به منطقه‌ی نهاوند می‌رسند و در کوه‌پایه‌های زاگرس، در ارتفاعات گنبد کبود، توانه، ظفرآباد، گیان، تازناب، سهران، فاماسب و در سایر قسمت‌های مجاور آن‌ها مسکن می‌گزینند. عشایر ترکی که به الوند همدان می‌روند، دهم تا پانزدهم شهریور از الوند حرکت می‌کنند و بیستم شهریور وارد نهاوند می‌شوند و تمام عشایر، آبان ماه منطقه‌ی نهاوند را به سمت گرمسیر ترک می‌کنند.

یادآوری می‌شود که عشایر هنگام ورود فقط از «ایل راه‌ها» وارد می‌شوند و در کوه‌پایه‌ها سکن می‌گزینند. ولی هنگام خروج به دلیل برداشت محصولات کشاورزی هیچ‌گونه محدودیتی از لحاظ رفت و آمد ندارند و از هر طریقی می‌توانند منطقه را ترک کنند. هر چند اکثراً از طریق جاده‌ی آسفالت «قلعه قباد» و «سراب گاماسیاب»

منطقه را ترک می‌کنند. عشایری که به منطقه‌ی نهاوند وارد می‌شوند به شرح ذیل‌اند:

۱- **طایفه‌ی سلیمانی:** قشلاق این طایفه چشمه‌زار اندیمشک و ییلاق آن‌ها

ارتفاعات اسدآباد - نهاوند است و ۱۳۰ روز در منطقه حضور دارند.

۲- **طایفه‌ی حسونند:** قشلاق این طایفه آبدانان و پلدختر و ییلاق آن‌ها ارتفاعات

سهران و فاماسب نهاوند است (دره روغن). اقامت آن‌ها به شرایط جوّی دو یا سه

سال بستگی دارد و کوچ این طایفه چهل تا هفتاد روز طول می‌کشد.

۳- **طایفه‌ی رحمتی:** قشلاق این طایفه پل‌زال اندیمشک و ییلاق آن‌ها ارتفاعات

گنبد کبود نهاوند است. مدت کوچ هفتاد روز به صورت پیاده است و دو ماه را در

مراغ و سه ماه را در پس چر مزارع غلات سپری می‌کنند.

۴- **طایفه‌ی یارم طاقلو:** قشلاق این طایفه پل دختر لرستان و ییلاق آن‌ها

ارتفاعات امیرآباد و تپه علی نهاوند است. مدت اقامت این طایفه چهار ماه است.

۵- **عشایر کولیوند، زنگی‌وند، فلکی، گرگه، ترکاشوند:** چهار تا پنج ماه در کنگاور

سکونت دایم دارند و دو ماه در سال را در منطقه‌ی نهاوند به سر می‌برند.

گفتنی است تعداد عشایر نهاوند ۱۲۰۰ خانوار (و با ضریب ۶/۶ درصد نفر) است

(گفت‌وگویی اختصاصی با آقای شهبازی، ۱۳۸۴ و اطلاعات میدانی نگارنده، ۱۳۸۴).

مسیرهای کوچ

مسیرهای کوچ، که هر ساله دامداران کوچ‌نشین غیربومی از آن می‌گذرند و به

منطقه‌ی نهاوند می‌آیند، در واقع مسیرهای است که هزاران سال قبل به وسیله‌ی این

مردمان انتخاب شده است. وجود محوطه‌های متعددی در کنار این ایل راه‌ها، از

ادوار قدیم تا جدید مؤید باستانی بودن این مسیرهاست. (سراقی، ۱۳۸۵)

۱- ایل راه سٚله (گردنه‌ی سٚله): این راه از نورآباد لرستان آغاز می‌شود. سپس، به ارتفاعات گرین در جنوب غربی نهاوند می‌رسد و از طریق تنگه (شکافی) که در کوه‌های گرین نهاوند وجود دارد به دشت نهاوند و کوه‌پایه‌های امیرآباد، تپه علی، دارسیبه، خم خسرو، چشمه ماهی، فیروزآباد و توپسرکان ختم می‌شود.

۲- ایل راه ورازانه (گردنه‌ی ورازانه): این ایل راه در رشته‌کوه گرین نهاوند واقع شده است و عشایر از طریق تنگه (شکافی) که در این رشته کوه ایجاد شده به منطقه‌ی نهاوند وارد می‌شوند و در ارتفاعات اسدآباد و ورازانه و سایر قسمت‌های نهاوند پراکنده می‌شوند.

۳- ایل راه گاماسیاب (تنگه‌ی گاماسیاب): این ایل راه در جنوب شرقی نهاوند واقع شده است و عشایر کوچ رو از طریق شکافی که در کوه‌های گرین ایجاد شده و جاده‌ی آسفالته نهاوند به نورآباد لرستان از آن می‌گذرد، عبور می‌کنند و وارد دشت نهاوند می‌شوند. عشایر ترک همدان از این ایل راه استفاده می‌کنند و به قلعه قباد و سپس به دوراهی عذرا، سامن و ملایر وارد می‌شوند و در نهایت به الوند همدان می‌روند.

۴- ایل راه تازناب (تنگه‌ی تازناب): از مهم‌ترین ایل راه‌های منطقه‌ی نهاوند است و عشایر اکثر از طریق همین مسیر وارد منطقه نهاوند می‌شوند و در ارتفاعات تازه‌ناب کرک، سُرخلیجه، قشلاق بابارستم، راوند، مرادآباد، گل‌زرد، ظفرآباد، توانه، گنبد کبود و ... استقرار می‌یابند. این ایل راه در جنوب شرقی نهاوند است و عشایر کوچ‌رو از طریق شکافی که در ارتفاعات تازه‌ناب در رشته‌کوه گرین بوده وارد منطقه‌ی نهاوند شده‌اند.

۵- ایل راه دو راهی نهاوند - کنگاور: این ایل راه در غرب شهر فیروزان واقع شده است و هر ساله عشایر شهر کنگاور، بعد از برداشت محصول (اواخر تیرماه و گاهی اواسط مردادماه)، از این طریق وارد منطقه خزل نهاوند می‌شوند و از پس چرای

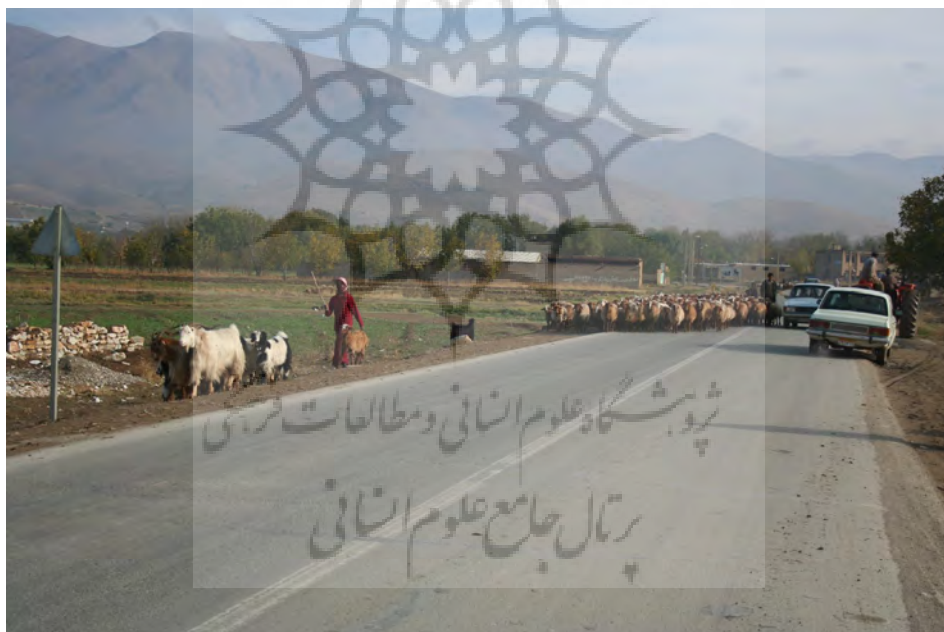
اراضی استفاده می‌کنند و اواخر شهریور، ضمن ترک منطقه، عده‌ای به شهر کنگاور و عده‌ای نیز به مناطق گرمسیری می‌روند.

۶- ایل‌راه تاریک‌دره - هرسین: این ایل‌راه در غرب روستای تاریک‌دره، در شکاف ایجاد شده در کوه‌های زاگرس (کوه گرین) واقع شده است. طبق گفته‌ی اهالی منطقه هر ساله تعدادی از عشایر هرسین و غرب کشور از این مسیر وارد شهرستان نهاوند می‌شوند. عده‌ای از آنان در منطقه می‌مانند و عده‌ای نیز از گذرگاه عبور می‌کنند و به طرف تویسرکان و همدان می‌روند.

در پایان، نگارنده متذکر می‌شود که ممکن است گذرگاه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که عشایر از آن عبور می‌کنند و وارد منطقه نهاوند می‌شوند (اطلاعات میدانی نگارنده، ۱۳۸۴ و گفت‌گویی شخصی با آقای شهبازی، ۱۳۸۴).



مسیر کوچ عشایر در نهاوند



دو تصویر از کوچ عشایر یارم طاقلو از منطقه‌ی نهاوند (روستای دهفول)



مطالعات فرهنگی
مردم‌شناسی

تصاویری از مسکن عشایر



قسمت داخلی سیاه چادر

نمایی از سیاه چادرها و آغل گوسفندان



نان پختن کنونی عشایر

محل پخت و پز عشایر (تنور)



فهرست منابع

۱. افراسیاب‌پور، علی‌اکبر، *جغرافیای تاریخی نهاوند*، قم، زهیر، ۱۳۸۱، صص ۵۳-۵۵
۲. امان‌اللهی بهارند، سکندر، *کوچ‌نشینی در ایران، پژوهش در مورد ایلات و عشایر ایران*، تهران، انتشارات نیل، چ ۶، ۱۳۸۴، صص هشت، ۱-۲۷، ۲۴، ۲۳، ۳
۳. سراقی، نعمت‌الله، *بررسی باستان‌شناختی دشت نهاوند*، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، شهریور ۱۳۸۵، صص ۸۷-۸۹
۴. _____، *اطلاعات میدانی*، ۱۳۸۴
۵. شهبازی، عبدالله، *مقدمه‌ای بر شناخت کلی ایلات و عشایر*، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی
۶. گفت‌وگوی شخصی با آقای شهبازی، رئیس اداره‌ی امور عشایری شهرستان نهاوند، ۱۳۸۴
۷. ورجاوند، پرویز، *بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر*، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، صص ۲۹، ۳۰
۸. نعمانی، فرهاد، *تکامل فنودالیزم در ایران*، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۸، ص ۴۵۲
۹. نوراللهی، علی، *بررسی پیش از تاریخ دشت آسمان آباد (قولیوند)*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴